

خبرنامه کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری (منطقه تهران)

جمعه ۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۷

سال اول - شماره ۳



کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری
Coordinating Committee to
Form Workers Organization

کارگران علیه سرمایه متشکل شویم!

در این شماره:

- | | |
|--|---|
| - کارخانه قطران کرمان و اخراج کارگران ص ۷ | - خیزش کارگران هفت تپه گسترش می یابد ص ۲ |
| - اعتصاب و تحصن کارگران در «ایران صدرا» ص ۷ | - تجمع اعتراضی کارگران ایران برک رشت در تهران ص ۲ |
| - وضعیت رقت بار کارگران در کارخانه «قند بردسیر» ص ۸ | - اعتراض معلمان بازنشسته استان کردستان ص ۳ |
| - اجتماع کارگران «اشکان چینی» قزوین ص ۸ | - ادامه تحصن کارگران ایران صدرا ص ۳ |
| - تعویق حقوق کارگران در واگن سازی زرند ص ۸ | - در شرکت صنایع اراک چه می گذرد؟ ص ۳ |
| - تعطیلی «پرشان صنعت» و اخراج کارگران ص ۸ | - تجمع اعتراضی کارگران «لامپ فارس» ص ۴ |
| - یک گام عقب نشینی سرمایه داران جنرال موتور ص ۸ | - بیکارسازی فزاینده کارگران نساجی ص ۴ |
| - گسترش مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه ص ۹ | - کارگران نیشکر هفت تپه همچنان می رزمند ص ۴ |
| - اعتراض کارگران نانوا به کمی دستمزد و توطئه صاحبان سرمایه ص ۹ | - قند قهستان و بیکارسازی هزاران کارگر ص ۵ |
| - بیکارسازی و تعویق دستمزدها در «قند نیشابور» ص ۱۰ | - تظاهرات اعتراضی کارگران شرکت بهداشتی مینا ص ۵ |
| - ۷ ماه کار بدون مزد در کارخانه مخمل کاشان ص ۱۰ | - مرگ ۳۰ کارگر در حین کار در طول یک ماه ص ۵ |
| - بیکاری و تعویق حقوق در «پادزانیچ» قزوین ص ۱۰ | - موج مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه گسترش می یابد ص ۶ |
| - ادامه اعتصاب کارگران پرستار در سوئد ص ۱۱ | - قربانیان سوانح کار مزدی ص ۶ |
| | - سد «چراغ ویس» سقز و اخراج کارگران ص ۷ |

مشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران را بخوانید.

WWW.HAMAAHANGI.COM

خیزش کارگران هفت تپه گسترش می یابد

بود. توده های کارگر با این کار خویش عملاً یک راه پیمایی افشای جنایات نظام سرمایه داری را سازمان می دادند و از درون آن ضرورت همراهی و اتحاد و سازمانیابی کل قوای طبقاتی خود علیه سرمایه را بانگ می زدند.

کارگران نیشکر هفت تپه امروز یازدهمین روز اعتصاب، تظاهرات و پیکار را پشت سر می گذارند. آنان می توانند و باید به جای طلب اجازه تشکیل سندیکا از دولت سرمایه به نیروی خود اتکا کنند و شورای کارگری ضدسرمایه داری خود را تشکیل دهند، برنامه ریزی کار و تولید کارخانه را به دست گیرند و از تریبون این شورای نیرومند ضدسرمایه داری باز هم به همه کارگران ایران پیام دهند و از همه کارگران نفت و گاز و آب و برق و حمل و نقل و همه عرصه های دیگر بخواهند که از آنان حمایت کنند. کارگران نیشکر هفت تپه می توانند با ایفای این نقش و در کارزار گسترش آن در کار سازمانیابی شورایی ضدسرمایه داری کل طبقه کارگر ایران سهم عظیمی داشته باشند.

۸۷/۲/۲۵

نیرومند با مشت های گره کرده و قدرتمند تهاجم و سببیت این نیرو را به هیچ گرفته و تحقیر کرده اند.

کارگران از همان روز نخست با صدای بلند از کلیه همزنجیران خویش در شرکت نفت و در تمامی مراکز کار و تولید خواستند که به حمایت از مبارزات آنان برخیزند. این اقدام گواه آگاهی و درایت آن ها نسبت به اهمیت اعمال قدرت متحد طبقاتی از یک سو و بصیرت بارز آن ها در تشخیص امکان پذیری پیوند میان مبارزات روز خود با روند تلاش برای تحقق این نیازحیاتی جنبش طبقه خویش از سوی دیگر است. فریاد کارگران در جای خود و با توجه به مجموعه شرایط موجود بسیار کارساز بود. کارگران زیادی به این ندا پاسخ گفتند. از روزهای هفتم و هشتم به بعد دیگر فقط کارگران نیشکر هفت تپه نبودند که کل نیروی اعتصاب و پیکار را تشکیل می دادند. شمار قابل توجهی از کارگران کارخانه ها و مراکز دیگر کار نیز با آنان همبستگی کردند و اهالی شهر دزفول از بچه های خردسال تا پیران به حمایت از آن ها برخاستند. تظاهرات روزمره کارگران در خیابان های اصلی شهر تجسم به کارگیری یک راهکار بسیار مهم و پرارزش مبارزه

اعتصاب ۵۰۰۰ کارگر نیشکر هفت تپه دهمین روز خود را پشت سر نهاد. این اعتصاب تا لحظه حاضر روز به روز نیرومندتر شده است. خشم و نفرت و عصیان کارگران علیه صاحبان سرمایه و دولت سرمایه داری دقیقه به دقیقه رو به فزونی رفته است. عزم کارگران برای تداوم پیکار تا حصول کامل مطالبات پیوسته محکم تر و راسخ تر گردیده است. طولانی شدن اعتصاب و سکوت صاحبان سرمایه و دولت آن ها نه فقط هیچ غبار نومیبدی بر پیشانی کارگران ننشاند بلکه، کاملاً برعکس، اتکا به قدرت، ضرورت اعمال قدرت و لزوم جستجوی راه های مؤثرتر اعمال قدرت را در آن ها به گونه ای چشمگیر افزایش داده است.

از روز چهارم اعتصاب تا حال هزاران کارگر هر صبح در مقابل نهادهای دولتی سرمایه اجتماع می کنند. آنان بر تحقق فوری و بی قید و شرط تمامی مطالبات اعلام شده خویش پای می فشارند. آمادگی کامل خود را برای ادامه مبارزه فریاد می زنند. نیروی سرکوب سرمایه از همان آغاز موج نوین این مبارزات در وسیع ترین سطح صفوف کارگران معترض را در محاصره گرفته است. اما کارگران بسیار پرخروش و

تجمع اعتراضی کارگران ایران برک رشت در تهران

حرفهایشان این بود که به اینجا آمده اند تا به صاحبان سرمایه و دولت آن ها اعلام کنند که از مبارزه برای تحقق مطالبات خود دست نمی کشند و این مبارزه را مصمم تر و وسیع تر ادامه خواهند داد. کارگران اعلام کردند که در تمامی طول این چند سال برای متشکل شدن خویش در تلاش بوده اند اما کارفرما و حامیان دولتی آن ها هر گام تلاش آن ها را آماج توطئه قرار داده و به شکست کشانده اند.

۸۷/۲/۲۴

«بن کارگری» آن ها نیز به طور کامل قطع شده است.

کارگران وضعیت موجود خود و همزنجیرانشان را کاملاً غیرقابل تحمل توصیف کردند. آنان در مقابل دفتر مرکزی کارخانه برای عابریان خیابان توضیح دادند که سال هاست علیه شدت استثمار سرمایه و جنایات کارفرما اعتراض کرده و به هر کجا توانسته اند شکایت برده اند، اما این اعتراضات و شکایات به هیچ کجا نرسیده و هیچ دردی از آنان چاره نشده است. تأکید کارگران اجتماع کننده در همه

شمار زیادی از کارگران «ایران برک» رشت در اعتراض به تعویق چند ساله مطالبات ابتدایی خود سرانجام راهی تهران شدند. کارگران در مقابل دفتر مرکزی کارخانه اجتماع کرده و دست به تحصن زده اند. آنان به نمایندگی از سوی همه همزنجیران خویش در ایران برک رشت در این اجتماع اعتراضی حضور یافته اند. کارگران فریاد می زدند که ۵ ماه تمام است که ریالی دستمزد نگرفته اند، عیدی سال ۸۶ آنان پرداخت نشده و بیش از ۴ سال تمام است که مبلغ بسیار ناچیز موسوم به

اعتراض معلمان بازنشسته استان کردستان

خواستار حضور فرماندار در میان آن‌ها و گفتگو پیرامون موضوع اعتراض خویش شدند. فرماندار مطابق معمول حتی از قبول این خواست کارگران سر باز زد، به این دلیل مشخص که هیچ حرف انسانی در قبال اعتراض معلمان در ذهن خود و در موجودیت نظام اجتماعی متبوع خود سراغ نداشت. معلمان پس از ساعت‌ها تظاهرات و اعتراض و عدم دریافت هیچ پاسخی اخطار کردند که این مبارزه و تظاهرات را در سطحی بسیار گسترده تر ادامه خواهند داد.
۸۷/۲/۲۴

عدالت» پاسخی به الزامات خصوصی سازی تمامی مراکز کار و تولید در ایران است. مجبور ساختن یک کارگر به خرید سهام عدالت به طور بسیار دقیق معنایش این است که کارگر مذکور بخشی از دستمزد یا هزینه معاش روزانه خود و فرزندانش را به سرمایه سرمایه داران خصوصی یا دولتی اضافه کند و خودش به همان میزان بیشتر در باتلاق گرسنگی و ذلت و نکبت فرو رود. معنای عدالت در نظام سرمایه داری هیچ چیز جز این نیست.
۱۲۰ معلم بازنشسته کردستان پس از اجتماع در برابر فرمانداری سنندج

شمار کثیری از معلمان بازنشسته کردستان با اجتماع در مقابل فرمانداری شهر سنندج دست به تظاهرات اعتراض آمیز زدند. انگیزه این تجمع و تظاهرات آن بود که دولت اسلامی سرمایه داران اعلام کرده که «پاداش پایان خدمت» کارگران معلم را با «سهام عدالت» پرداخت خواهد کرد! معنای اقدام دستگاه های نظم سرمایه این است که معلمان به جای بخشی از دستمزد ناچیز خود کاغذ پاره ای بگیرند و به زیاله های زیاله دانی خانه خویش اضافه کنند. این اقدام اما معنای واقعی تر و بسیار حساب شده تری هم دارد. فلسفه اختراع «سهام

ادامه تحصن کارگران ایران صدرا

کارگرانی که هم اکنون در تحصن به سر می برند حدود ۱۰۰ نفر است. اینان همه بر پایه قراردادهای موقت کار می کنند و از شروع سال جدید تا حال هیچ دستمزدی دریافت نکرده اند.
۸۷/۲/۲۴

سرمایه و دولت آن‌ها مدت‌ها است که جریان داشته است. در طول سال گذشته و جاری کارگران به کرات دست به تحصن زده اند. دروازه ورودی کارخانه را اشغال کرده اند. روزهای زیادی در اعتصاب به سربرده اند. در برخی موارد کارفرمایان و دولت آن‌ها مجبور شده اند که در مقابل موج مبارزات کارگران عقب نشینی کنند. تعداد

کارگران ایران صدرا همچنان به تحصن خود ادامه می دهند. دلیل این تحصن امتناع کارفرمایان از پرداخت دستمزدها است. در کارخانه کشتی سازی صدرا بیش از ۱۰۰۰ کارگر استعمار می شوند. مبارزات کارگران علیه شدت استعمار سرمایه، تأخیر در پرداخت مزدها، اخراج و بیکارسازی‌ها، قراردادهای موقت کار و سایر جنایات صاحبان

در شرکت صنایع اراک چه می گذرد؟

ضرب المثل معروف «بردن شکایت دزد پیش رئیس دزدان» است. دولت نهاد اعمال قدرت سرمایه علیه کارگران است و توده های کارگر برای مقابله با جنایات کارفرمایان و دولت آن‌ها سوای اعمال قدرت هیچ راه دیگری ندارند. اعمال قدرت علیه سرمایه نیازمند متحد شدن و متشکل گردیدن علیه نظام سرمایه داری است. این کار طبیعتاً باید در سطح سراسری و توسط همه توده های کارگر انجام گیرد. اما تلاش کارگران هر کارخانه برای متشکل شدن بخش بسیار حیاتی و لازم و جزء جدایی ناپذیر تلاش برای ایجاد این تشکل سراسری ضد سرمایه داری است.
۸۷/۲/۲۴

شدند. کارگران در ادامه این اعتراض شکایت نامه ای تنظیم و تسلیم «اداره کار» نظام سرمایه داری کردند. پاسخ اداره کار از پیش روشن بود. مسؤلان دولتی سرمایه بدون هیچ تردید حمایت خود را از کارفرما و اقدامات ضدکارگری وی اعلام کرده اند. اخراج و بیکارسازی کارگران را حق مسلم صاحبان سرمایه دانسته اند و در همه زمینه ها حکم به محکوم بودن کارگران داده اند. احکام صادره اداره کار علی الاصول نباید موجب تعجب کارگران باشد. کارگرانی که در قبال این نوع احکام دچار تعجب شوند به طور قطع انسان های خوشباور و متوهمی هستند. شکایت سرمایه دار را پیش دولت سرمایه داران بردن مصداق همان

شرکت صنایع اراک مدتی است که تحویل بخش خصوصی شده است. سرمایه داران خصوصی این واحد بزرگ صنعتی را به نازل ترین بها از دولت سرمایه داران خریدند تا در جریان داد و ستد آن، وام های سنگینی که در این گذر دریافت می کنند و اجرای هزاران پروژه سودجویانه دیگر سرمایه های خود را افزایش دهند و در حوزه دلخواه خود پیش ریز کنند. آنان در روند پیشبرد این سیاست‌ها قبل از هر چیز دو شیفت کار کارگران را به یک شیفت تبدیل کرده و بیش از ۸۰ کارگر را از کار اخراج نموده اند. کارگران شرکت در مقابل این اقدام کارفرمایان دست به اعتراض زده و خواستار انصراف کارفرما از اخراج همزنجیران خویش

جمع اعتراضی کارگران «لامپ فارس»

خواستار انصراف سرمایه دار از تعطیل کارخانه و بازگشت خویش به کار هستند. کارگران همچنین خواستار پرداخت فوری کلیه مطالبات معوقه خویش هستند. آنان اعلام کرده اند که تا دستیابی به این خواسته ها به مبارزاتشان ادامه خواهند داد.

۸۷/۲/۲۴

«بن کارگری» سال ۸۶ را هم به هیچ کارگری نپرداخته است. کارفرما در آخرین اقدام در کارخانه را بر روی همه کارگران بسته و به این ترتیب به اخراج همه کارگران این واحد صنعتی جامه عمل پوشانده است. کارگران در اعتراض به جنایات کارفرما دست به مبارزه زده و در مقابل مراکز دولتی اجتماع کرده اند. آنان

کارخانه لامپ فارس نیز از جمله صناعی است که در مالکیت سرمایه داران خصوصی قرار دارد. سرمایه دار صاحب شرکت می خواهد کارخانه را به مبلغ ۶ میلیارد تومان بفروشد. او دست به اخراج کارگران زده است و تا امروز شمار زیادی را بیکار ساخته است. از آغاز سال جاری تا حال ریالی دستمزد به کارگران پرداخت نکرده و

بیکارسازی فزاینده کارگران نساجی

مدرن هم نیستند، زیرا با انباشت سرمایه های خویش در قلمروهای دیگر می توانند سودهای بسیار عظیم تر به چنگ آورند. همه مشکلات در اینجا، در نفس موجودیت نظام و شیوه تولیدی قرار دارد که در تمامی ذرات وجودی خود بر پاشته کسب سود می چرخد. کارگران نساجی در سراسر ایران در قبال این نظام و این جنایات صاحبان سرمایه باید راه حل مشخص طبقه خود را مطرح سازند. این راه حل تا آنجا که به این موضوع مشخص مربوط می شود به نظر ما این است:

۱. تمام کارخانه های نساجی از مالکیت دولت و سرمایه داران خصوصی به کلی خارج گردد.
۲. کارگران با تشکیل شوراهای ضد سرمایه داری خود کار برنامه ریزی و اداره این واحدها را به دست گیرند.
۳. شوراهای کارگری با توسل به قدرت متشکل ضد سرمایه داری خود دولت را مجبورکنند که کلیه هزینه های بازسازی کارخانه ها و استفاده آن ها از ماشین آلات و تکنولوژی مدرن روز دنیا را به صورت کاملاً رایگان قبول کند.

۸۷/۲/۲۴

استثمار نیروی کار را هر چه بیشتر شدت بخشد، بخش هر چه نازل تری از محصول کار کارگران را به بهای بازتولید نیروی کار آن ها و بخش هر چه عظیم تری از آن را به سود و به افزایش سرمایه اختصاص دهد. سرمایه برای این که اضافه ارزش های تولید شده توسط کارگران را محقق سازد و تصاحب کند مجبور است که در بازار با سرمایه های دیگر رقابت کند و برای پیروزی در رقابت نیازمند تمام کارهایی است که بالاتر گفتیم. سرمایه تمامی این کارها را فقط و فقط برای سود انجام می دهد و به محض این که احساس کند که به سود دلخواه خویش دست نمی یابد حوزه انباشت خود را تغییر می دهد، کارگران را به باتلاق گرسنگی و مرگ فرو می کند و به هر جنابیتی دست می زند.

ماشین آلات کارخانه های نساجی در ایران عموماً فرسوده و بازمانده های صنعتی ۸۰ سال پیش دنیا هستند. ادامه کار با این ماشین آلات ارقام نجومی سود دلخواه کارفرمایان را تضمین نمی کند. سرمایه داران راضی به نوسازی این صنایع و به کارگیری تکنولوژی های

۱۹۰ کارگر دیگر نساجی کردستان بیکار شدند. سال هاست که اخراج کارگران این کارخانه و همه کارخانه های دیگر نساجی در ایران با شتاب هر چه تندتر به پیش می رود. صدها هزار کارگر به دنبال اخراج از محیط کار به ورطه گرسنگی و آوارگی و مرگ ناشی از فقر سقوط کرده اند. سایر کارگران این رشته گسترده صنعتی نیز به صورت روز به روز در معرض اخراج و تجربه سرنوشت سیاه همزنجیران خویش هستند. صاحبان سرمایه و دولت آن ها بسیار عوام فریبانه از مشکلات مالی نساجی ها سخن می رانند. آن ها هیچ کلامی از ریشه این مشکلات و بحران مالی دامنگیر این کارخانه ها بر زبان نمی رانند. بحران نساجی ها گوشه بسیار ناچیزی از بحران سرمایه داری است. بحران پدیده جبری و گریزناپذیر شیوه تولید سرمایه داری است. سرمایه در سرشت خود بحران زا است. هدف این شیوه تولید صرفاً سود و بازهم سود است. سرمایه برای حصول این هدف به صورت مستمر به بالا بردن ظرفیت تولید خود نیاز دارد، مجبور است از تکنولوژی مدرن و مدرن تر بهره جوید،

کارگران نیشکر هفت تپه همچنان می رزمند

فرماندار شوش که در تمامی این مدت با احساس درماندگی و زبونی در دادن پاسخ به مطالبات کارگران خود را از انظار پنهان می کرد سرانجام مجبور شد که در میان کارگران حاضر شود. او با عوام فریبی و ترفند تمام تلاش کرد تا شاید توده های کارگر را به خاتمه

خواستہ های همیشگی خود را فریاد می زدند و اعلام کردند که تا گرفتن همه آن ها به مبارزاتشان ادامه خواهند داد. هر چه زمان می گذشت بر شمار کارگران افزوده می شد. آنان فریادی زدند: **کارگر هفت تپه ایم، گرسنه ایم، گرسنه ایم.** مرگ بر شفیعی، مرگ بر زبیداری.

هزاران کارگر کارخانه نیشکر هفت تپه در تداوم اعتصاب چند روزه ۵۰۰۰ نفری خویش بار دیگر در مقابل فرمانداری شهر شوش اجتماع کردند. ساعت ۸ صبح محوطه جلوی ساختمان فرمانداری به طور کامل توسط ۲۰۰۰ کارگر خشمگین اشغال شد. کارگران

ای موارد با آنان درگیر شدند و مراتب خشم و تنفر خود را از آن ها ابراز داشتند. کارگران هفت تپه امروز هم در طول راه پیمایی خود از همه کارگران ایران و به ویژه کارگران نفت می خواستند که به حمایت از آنان برخیزند.

۲۳ اردیبهشت ۸۷

ادامه دادند و در طول خیابان های اصلی شهر راه پیمایی کردند. در جریان این راه پیمایی شمار بسیاری از اهالی شهر شوش به صفوف کارگران پیوستند و اعلام کردند که از مبارزات و مطالبات آنان حمایت می کنند. در تمام مدت تظاهرات و تجمع کارگران نیروی سرکوب دولت سرمایه تمامی منطقه را در محاصره داشت. کارگران در پاره

تظاهرات و تجمع متقاعد سازد، وعده های سرتاپا دروغی را به هم بافت و ادعا کرد که در تلاش است تا برای مشکل آنان راه حلی پیدا کند! حرف های فرماندار با شعارهای کوبنده کارگران مواجه شد. محتوای شعارها این بود که ما وعده و وعید نمی خواهیم و خواستار تحقق فوری و تام و تمام مطالبات خود هستیم. کارگران به تظاهرات خویش

قند قهستان و بیکارسازی هزاران کارگر

تعطیلی کارخانه قند قهستان فقط ۳۰۰ کارگر شاغل حی و حاضر این شرکت بیکار نمی شوند. شمار کارگران در معرض بیکاری حتمی بسیار بیشتر از این است. هزاران کارگر مزارع کشت چغندر نیز از همین امروز کار خویش را به طور کامل از دست می دهند. برای این که سرمایه داران به سودهای عظیم تر دست یابند، همه این کارگران و همه چند هزار افراد خانواده آن ها باید قربانی شوند. این رسم سرمایه است و کارگران اگر می خواهند که اسیر چنین سرنوشتی نباشند باید علیه سرمایه متشکل شوند و در نهایت رسم آن را براندازند.

۲۳ اردیبهشت ۸۷

ریالی دستمزد به ۳۰۰ کارگر شاغل کارخانه پرداخت نکرده و به اعتراضات مکرر و مداوم کارگران در این زمینه هیچ وقعی نگذاشته اند. سرمایه های کلان حاصل از استثماری کارگران، وام های عظیم دریافتی از بانک ها، دستمزدهای پرداخت نشده چندین ماهه کارگران، برنامه ریزی فروش زمین های کارخانه و اقلام نجومی ثروتی که از این طریق به چنگ خواهند آورد تمامی امکانات لازم را برای پیش ریز عظیم ترین سرمایه ها در پرسودترین حوزه های تازه استثماری نیروی کار به اندازه کافی در اختیار آنان قرار داده است. آنان به این دلیل با فراغ بال کارخانه را تعطیل می کنند تا رویاهای دستیابی به سودهای طلایی هرچه افزون تر را برای خویش تحقق بخشند. با

کارخانه قند قهستان تعطیل می شود. مالکان این واحد بزرگ صنعتی علاوه بر این کارخانه مالک چندین کارخانه مهم دیگر در سطح استان خراسان هستند. آنان اینک با ارزیابی بازار روز سرمایه و محاسبه میزان سود حوزه های مختلف انباشت، ترجیح می دهند که سرمایه های فراوانی را که از استثماری کارگران قند قهستان اندوخته اند به کارخانه های دیگر خود منتقل کنند و حجم سرمایه گذاری های خویش در آن زمینه ها را هر چه بیشتر افزایش دهند. این سرمایه داران زیر اسم و رسم « وضعیت بد مالی شرکت» علاوه بر سرمایه های کلان موجود خود مبالغ بسیار هنگفتی وام از بانک های بزرگ دولتی دریافت کرده اند. آنان به این نیز اکتفا نکرده اند. بیش از ۵ ماه است که

تظاهرات اعتراضی کارگران شرکت بهداشتی مینا

کارگران به زور سرنیزه نیروی سرکوبگر پایان یافت و آنان بدون هیچ نتیجه به سر کار خویش بازگشتند.

۲۳ اردیبهشت ۸۷

که بی درنگ با حضور نیروی سرکوب دولت سرمایه داری مواجه شد. ۴۰۰ کارگر این کارخانه بهبود شرایط کار و دستمزد بیشتر و تضمین امنیت شغلی می خواستند اما صاحبان سرمایه به جای این ها انبوه تفنگ به دستان سرکوبگر را به جان آنان انداختند. تظاهرات

۴۰۰ کارگر شرکت مینا ماه هاست که به شرایط کار، سطح نازل دستمزدها و فقدان هر نوع امنیت شغلی خویش اعتراض دارند. آنان بارها علیه شدت استثماری و مظالم سرمایه دست به تجمع زده و خواستار تحقق مطالبات خویش شده اند. آخرین این تظاهرات امروز بود

مرگ ۳۰ کارگر در حین کار در طول یک ماه

طول یک ماه رخ داده و تازه هیچ معلوم نیست که این آمار چند درصد قربانیان واقعی سوانح محیط کار را حتی در همین بخش ساختمان تشکیل می دهد. تعمیم ارقام واقعی جان باختگان کارگر در حین کار روزانه به همه مراکز کار و تولید ما را به طور قطع با آمار و

گونه که گفتیم صرفاً به شهر شیراز مربوط می شود و بر اساس آنچه که رئیس یک تشکل دولتی به نام « انجمن صنفی کارگران ساختمانی» اعلام کرده، شمار قربانیان کارگر همین بخش ساختمان در سطح استان فارس از ۳۰ نفر افزون است. تمامی این تلفات در

در یک ماه گذشته فقط در شهر شیراز و تنها در بخش ساختمان ۸ کارگر در حین کار جان خویش را از دست دادند. علت مرگ این کارگران فقدان ایمنی محیط کار و محرومیت کامل کارگران از وسائل لازم برای حراست جان خویش در هنگام کار بوده است. این تعداد همان

ارقام بسیار تکان دهنده ای مواجه خواهد کرد. مرگ هر کارگر در حین کار قتل عمد او توسط صاحبان سرمایه و دولت سرمایه داران است. از این مهم تر،

مرگ هر کارگر در مرگ شخص او خلاصه نمی شود. خانواده ای نیز زیر فشار گرسنگی به کام مرگ می افتد. این ها همه جنایات سرمایه دارانی است که

نمی خواهند هزینه های لازم ایمنی محیط کار را بپردازند.
۲۳ اردیبهشت ۸۷

موج مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه گسترش می یابد

کارگران نیشکر هفت تپه دامنه اعتصاب خود را به شهر شوش گسترش دادند. آنان نخست در مقابل فرمانداری این شهر تجمع کردند و فریاد اعتراض خود علیه صاحبان سرمایه و دولت سرمایه داران را بیش از پیش بلند کردند. تظاهرات کارگران در مقابل در ورودی فرمانداری شوش ساعت ها به درازا کشید اما از میان حاکمان سرمایه هیچ کس به پاسخ گویی کارگران نیامد. کارگران در جریان تظاهرات بر مطالبات خویش پای فشردند، خواستار تحقق فوری آن ها شدند و اعلام کردند که تا زمان حصول کامل این خواسته ها به مبارزاتشان ادامه خواهند داد. با شروع اجتماع و تظاهرات کارگران نیروهای سرکوب موسوم به لباس شخصی از همه سو وارد میدان شدند. آن ها شروع به فیلم برداری و تلاش برای ایجاد رعب و وحشت در صفوف تظاهر کنندگان کردند. حضور این نیروها

برعکس آنچه فرماندهانشان تصور می کردند نه فقط هیچ رعب و هراسی در دل هیچ کارگری پدید نیامد که خشم و نفرت و عصیان کارگران را دامن زد. عده ای از کارگران خشمگین به سوی یکی از فیلم برداران هجوم بردند و به تعقیب او پرداختند. گزارشات رسیده حاکی است که مأمور مذکور در حین فرار به زمین خورد و دچار آسیب گردید. کارگران ساعتی پس از شروع تظاهرات، محوطه جلوی فرمانداری را به سمت خیابان های اصلی شهر ترک گفتند. آنان با شعارهای رسا از کارگران نفت و تمام کارگران ایران خواستار حمایت، همبستگی و ملحق شدن به اعتصاب و تظاهرات خویش شدند. حرف دل کارگران نیشکر هفت تپه در جریان این استمداد و درخواست حمایت آن بود که سرمایه داران ما را بیکار می کنند، دستمزدهای ما را پرداخت نمی

نمایند، ما را و بچه های ما راهی برهوت گرسنگی می سازند. صاحبان سرمایه در همه جا با همزنجیران ما و تمامی بخش های طبقه ما چنین می کنند، دولت سرمایه داران در همه جا مبارزات ما را سرکوب می کند. ما همگی اجزای واحد یک طبقه واحد و نیرومند اجتماعی هستیم. ما به عنوان طبقه کارگر عظیم ترین قدرت ها را در وجود خود نهان داریم. بیایید این قدرت را علیه سرمایه و دولت سرمایه داران اعمال کنیم. بیایید به صورت یک طبقه در مقابل نظام سرمایه داری و حاکمان این نظام سنگربندیم و به صف شویم. کارگران نیشکر هفت تپه ضمن طلب استمداد از کارگران دیگر علیه صاحبان سرمایه و عوامل دولت سرمایه داری شعار دادند.

۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۷

قربانیان سوانح کار مزدی

دو کارگر که توسط یک شرکت ساختمانی استثمار می شوند در حین کار دچار سانحه شدند. کارگران در ناحیه سر، دست و پا به شدت آسیب دیدند. خبرنگارانی که حادثه را گزارش کرده اند هیچ کلامی در مورد انتقال این مجروحین به بیمارستان نقل نکرده اند. نوع این حوادث هر روز در مراکز مختلف کار و تولید و در جاهای مختلف کشور روی می دهد. هر روز شمار قابل توجهی از فروشندگان نفرین شده نیروی کار از بالای داریست ها و دیوارهای بناهای در دست ساختمان به زیر سقوط می کنند، در لابلای چرخ ماشین ها له می شوند، به درون حوضچه های سرب مذاب فرو می غلطند، در عمق معدن ها در زیر آوار دفن می شوند یا در میان شعله های آتش خاکستر می گردند. آمار

کارگرانی که هر روز به این شکل ها جان خویش را از دست می دهند بسیار بالاست. این ها همه قربانیان بی هیچ بازخواست و بدون هیچ حساب و کتاب نظام سرمایه داری هستند. این که چرا این سوانح رخ می دهند از دید صاحبان سرمایه و دولت هایشان مسئله بسیار عادی و روزمره روند کار است که آن هم عمدتاً از "بی احتیاطی" کارگران ناشی می شود. اما این نوع تلقی و این شکل نگاه کردن به حوادث محیط کار خود گوشه معینی از جنایات نظام بردگی مزدی است. واقعیت این است که اگر سرمایه دار هزینه کند همه این رخدادهای فاجعه بار قابل پیشگیری هستند. ایمنی شرایط کار و تضمین کامل سلامتی کارگران در هنگام کار وظیفه بسیار بدیهی صاحبان سرمایه است. این کار

نیازمند مقداری هزینه است و سرمایه داران و دولت آن ها صرفاً به خاطر امتناع از قبول همین هزینه های اندک وقوع این حوادث مرگبار را بر کارگران تحمیل می کنند. حادثه مورد بحث نیز دقیقاً به همین دلیل رخ داده است. این دو نفر در بزرگراه چمران برای یک شرکت ساختمانی کار می کرده اند. سرمایه دار صاحب شرکت برای ایمنی محیط کار و تهیه لوازم حفاظت کارگران هیچ اقدامی نکرده است. او هزینه مورد نیاز این کار را به سود خود افزوده و بدین سان دو کارگر جوان را به جرگه معلولان همیشگی و خانواده های آن ها را به لشکر انبوه گرسنگان جامعه اضافه کرده است.

۸۷/۲/۲۲

سد « چراغ ویس» سقز و اخراج کارگران

اقتصادی سخن به میان می‌کشد؟ فهرست این مجهولات را می‌توان همین‌طور ادامه داد و تکمیل کرد. اما در این میان یک چیز معلوم است و آن این است که کارگران پس از چهار سال استثمار شدن و فرسوده شدن و مستهلک گردیدن باید از کار بیکار شوند و خود و خانواده هایشان راهی دیار گرسنگی گردند. کارگران سد چراغ ویس علیه این جنایت اعتراض دارند. آنان خواهان ادامه کار و پرداخت دستمزدهای خویش هستند.

۸۷/۲/۲۲

و بانه بوده است با تعطیل این پروژه تکلیف آب آشامیدنی اهالی این شهر چه می‌شود؟ اگر تعطیلی پروژه به دلیل امتناع وزارت نیرو از تأمین اعتبار لازم است چرا این اعتبار تأمین نشده است؟ اگر دولت سرمایه داری مدعی فقدان اعتبار مالی لازم است پس با کوه عظیم اضافه ارزش‌هایی که کارگران لحظه به لحظه تولید می‌کنند، با دنیای عظیم اضافه ارزشی که در قبال فروش نفت به شریان اقتصاد سرمایه داری ایران وارد می‌گردد و ... چه می‌کند؟ اگر دولت سرمایه برای تکمیل این پروژه و ادامه کار کارگران بودجه ای ندارد! پس چرا هر روز در شبکه های گوناگون تلویزیونی از اجرای هزاران طرح

شرکت مقاطعه کاری طرف قرارداد وزارت نیرو در سد چراغ ویس ۶۰ کارگر را از کار اخراج کرده است. این شرکت مدعی است که طبق قرارداد خود با دولت قرار بوده که تا سال ۸۷ پروژه تأسیس سد را تکمیل کند و ۴۳ میلیون متر مکعب آب آشامیدنی در اختیار ساکنان شهرهای سقز و بانه قرار گیرد. این پروژه تا کنون ناتمام مانده و به همین دلیل کارگران باید بیکار شوند!! معادله ای که پیمانکار پیش روی کارگران باز کرده جز یک چیز همه چیزش مجهول است. اگر سد ناتمام مانده است چرا باید کارگران را اخراج کرد؟! چرا سد ناتمام مانده است؟ اگر منظور از احداث سد تأمین آب شرب ساکنان سقز

کارخانه قطران کرمان و اخراج کارگران

دچار « بحران مالی» است! و باز به سیاق همه همانندانش امتناع از پرداخت دستمزد کارگران را یک راه چاره بسیار مؤثر برای غلبه بر بحران می‌بیند!!

۸۷/۲/۲۲

است که هیچ دستمزدی دریافت نکرده اند. کارگران علیه تعویق حقوق و بیکارسازی خویش دست به اعتراض زده اند و خواهان پرداخت دستمزدها و بازگشت به کار هستند. سرمایه دار صاحب کارخانه قطران نیز مثل همه سرمایه داران دیگر مدعی است که

« قطران کرمان» ذغال کک تولید می‌کند. این کارخانه حدود ۱۰۰ کارگر را استثمار می‌کند. ۴۰ تن از کارگران تا امروز اخراج شده اند و ۶۰ کارگر دیگر در معرض اخراج قرار دارند. کارگرانی که بیکار شده اند و کارگرانی که کماکان مشغول کار هستند ۴ ماه تمام

اعتصاب و تحمن کارگران در «ایران صدرا»

روشن است. تا زمانی که آنان قدرت دارند و کارگران قدرت ندارند، تا هنگامی که آنان دولت و ارتش و قوای سرکوب دارند و کارگران پراکنده و فاقد سازمان سراسری خویش برای مبارزه و اعمال قدرت علیه سرمایه داری هستند. در اینجا در عرصه تقابل میان سرمایه و کار جز معادله واقعی نیرو و ظرفیت پیکار هیچ چیز دیگر تعیین کننده نیست. اگر بناست این وضع عوض شود ما کارگران باید به طور سراسری و ضد سرمایه داری متشکل شویم. کارگران کشتی سازی صدرا به علت پیشینه مبارزات خویش می‌توانند در تحقق این سازمانیابی نقش مؤثری ایفا کنند. هر لحظه تأخیر در ایفای این نقش لحظه ای برای فروماندن در حالت استیصال و ذلت کنونی است.

۸۷/۲/۲۲

بسیار برجسته در این میان آن است که سرمایه داران مجازند به هر دلیلی کارگران را اخراج کنند و پرداخت دستمزدهایشان را تا هر زمان که بخواهند به تعویق اندازند. دلیل آنان می‌تواند نرسیدن سفارش، رسیدن سفارش و پرداخت نشدن هزینه آن، وضعیت نامساعد مالی، نیاز به سرمایه های انبوه تر برای سرمایه گذاری های کلان تر، انتقال به حوزه های پرسودتر به جای عرصه های کم سودتر، تغییر نوع تولید، بالا بردن ظرفیت تولید و کاربرد تکنولوژی مدرن تر و یا برعکس فرسودگی ماشین آلات قدیمی باشد. در همه این موارد و ده ها مورد دیگر سرمایه داران حق دارند کارگران را بیکار سازند، حقوق آنان را برای ماه های طولانی پرداخت نکنند و به هر شکلی که مایلند آنان را قربانی کنند. این وضع تا کی دوام خواهد داشت؟ جواب

کارگران ایران صدرا برای چندمین بار در طول ماه های اخیر دست به اعتصاب و تحمن زده اند. علت مبارزات جاری کارگران دو ماه تعویق در پرداخت دستمزدها است. کارگران صبح روز ۲۲ اردیبهشت دست از کار کشیدند و در محیط کارخانه دست به تحمن زدند. آنان اعلام کرده اند که تا گرفتن کامل دستمزدهایشان به اعتصاب ادامه خواهند داد.

صاحبان « ایران صدرا» دلیل امتناع خویش از پرداخت حقوق کارگران را عدم پرداخت هزینه های سفارش تولید کشتی از سوی سرمایه داران سفارش دهنده اعلام کرده اند. در دوره های قبل دلیل کارفرما برای اخراج کارگران و خودداری از پرداخت مطالبات آنان « کاهش سفارش ها» بود. این دلیل در دوره کنونی به « عدم پرداخت هزینه های سفارش» تغییر یافته است! نکته

وضعیت رقت بار کارگران در کارخانه «قند بردسیر»

غیر این صورت باید بمیرند. این منطق سرمایه است. در قبال این منطق ضدانسانی، تنها سلاح کارساز کارگران متشکل شدن و اعمال قدرت تعیین کننده طبقاتی علیه سرمایه است. هیچ راه دیگری وجود ندارد.
۸۷/۲/۲۲

کارگر این است که چرا سیر و گرسنه بودن انسان ها، نان داشتن و نداشتن آنان، بیکار بودن و نبودنشان، حق حیات داشتن و نداشتنشان باید تابعی از نیاز سرمایه و سرمایه داران به نیروی کار آن ها باشد. پاسخ نظام سرمایه داری از لحظه تولد این نظام تا حال روشن بوده است: کارگران تا زمانی که نیروی کارشان مورد نیاز است زنده اند و در

کارگران قند بردسیر حدود ۶ ماه است که هیچ دستمزدی دریافت نکرده اند. در طول یک سال اخیر بیش از ۳۰۰ کارگر بیکار شده اند. کارگران باقی مانده نیز به ادامه کار خود هیچ امیدی ندارند. صاحب کارخانه وضعیت بد بازار فروش شکر را دلیل این رخدادها اعلام کرده است. فرض کنیم که او راست می گوید! سؤال اساسی هر

اجتماع کارگران «اشکان چینی» قزوین

شکایت نامه علیه صاحب کارخانه و اجتماع در مقابل اداره کار قزوین بوده است. ۸۷/۲/۲۲

اخراجی مدت ها است که علیه وضعیت خویش در اعتراض به سر می برند. آنان خواستار پرداخت فوری دستمزدهایشان و بازگشت به کار خود هستند. آخرین تلاش کارگران تنظیم

مدیریت کارخانه «اشکان چینی» ۴۰ کارگر را اخراج کرده است. این کارگران همراه با همه همزنجیران شاغل خود ۴ ماه تمام است که هیچ دستمزدی دریافت نکرده اند. کارگران

تعویق حقوق کارگران در واگن سازی زرنند

ساخت! سرمایه دار صاحب کارخانه واگن سازی زرنند اینک مدعی است که رقابت کالاها نه فقط مشوق او برای ادامه کار نیست که امکان پرداخت حقوق کارگران را هم از وی سلب کرده است! این که به راستی کدام یک راست می گویند، بسیار روشن است. همه آن ها به اندازه هم دروغ می گویند! معضل زندگی کارگران نه رقابت یا عدم رقابت سرمایه داران بلکه اساس موجودیت سرمایه داری است. تنها با محو این نظام است که مشکلات زندگی آنان حل خواهد شد. ۸۷/۲/۲۲

کند. تا امروز بخش قابل توجهی از بگو و مگوهای طبقه سرمایه دار ایران و عاشقان سینه چاک حمایت از سرمایه های صنعتی دور ضرورت داغ بودن بازار رقابت کالاها در بازار داخلی چرخ می خورد. آنان، به ویژه نمایندگان فکری و اقتصاددانان سرمایه، انبوه مقالات و کتب و کارهای تحقیقی خویش را به اهمیت این مسئله اختصاص داده و به کرات گفته و نوشته اند که اگر رقابت میان تولید کنندگان در داخل تشدید شود، صاحبان سرمایه زمین و زمان را پر از نعمت و ثروت و امکانات خواهند

در طول یک سال اخیر هیچ ماهی حقوق هیچ کارگری در کارخانه واگن سازی زرنند کرمان به موقع و در پایان ماه پرداخت نشده است. این وضعیت اما روز به روز وخیم تر شده است، تا جایی که اکنون ۳ ماه است که هیچ ریالی به دست کارگران نرسیده است. در این کارخانه حدود ۵۰ کارگر کار می کنند که همه آنان بارها علیه این وضعیت دست به اعتراض زده اند. کارفرما مدعی است که بازار رقابت برای فروش واگن های تولیدی باب طبع او نیست و سود دلخواهش را تأمین نمی

تعطیلی «پرشان صنعت» و اخراج کارگران

هر کار بخواهند می کنند و در ارتکاب هر نوع جنایت علیه کارگران با هیچ مانعی رو به رو نیستند، چرا صاحب کارخانه «پرشان صنعت» با ۳۰ کارگر کارخانه خود این چنین رفتار نکند؟! ۸۷/۲/۲۲

دلیل و توضیح و محمل بافی متعارف صاحبان سرمایه ندیده است. او پرداختن به این کارها را اتلاف وقت در کار سرمایه اندوزی و سودجویی خویش تلقی کرده و صرف بستن در کارخانه را برای تعیین تکلیف کارگران کافی دانسته است!! در جامعه ای که سرمایه داران

سرمایه دار صاحب کارخانه «پرشان صنعت» در شهرک صنعتی البرز کارخانه را تعطیل و کل کارگران را اخراج کرده است. یک تفاوت میان این سرمایه دار و بسیاری از سرمایه داران دیگر این است که او در جریان توسل به این اقدام هیچ حاجتی به هیچ نوع اقامه

یک گام عقب نشینی سرمایه داران جنرال موتور

آنان در این مدت برای غلبه بر موج مبارزات کارگران به همه دسپسه ها متوسل شدند. پایداری کارگران اما بسیار جدی و گسترده بود و درست به همین

موتورز آغاز شد و بیش از ۱۰ هفته به درازا کشید. کارگران خواستار افزایش دستمزد خویش بودند. صاحبان سرمایه در مقابل این درخواست مقاومت کردند.

۳۶۰۰ کارگر جنرال موتورز آمریکا ماه ها است که در اعتصاب به سر می بردند. این اعتصاب در ماه فوریه به طور همزمان در ۵ کارخانه مهم جنرال

قبول کرده اند که ۲۰۰ میلیون دلار برای افزایش دستمزد کارگران اختصاص دهند.
مه ۲۰۰۸

خودروهای دو دیفرانسیلی و بارکش های پیکاب گذاشت و همین امر به نوبه خود در مجبور ساختن کارفرمایان به افزایش دستمزد کارگران تأثیر داشت. سرمایه داران صاحب جنرال موتورز

دلیل سرمایه داران را مجبور کرد که هر چند محدود طریق تمکین پیش گیرند. اعتصاب کارگران ۵ کارخانه مهم جنرال موتورز طی این مدت تأثیرات مهمی بر روی وضعیت تولید

گسترش مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه

اساسی برای تضمین پیروزی این مبارزه است. مراد از حمایت کارگران ایران طبیعتاً صرف اعلام پشتیبانی ها و جانبداری های لفظی یا کتبی نیست. بحث بر سر چگونگی توازن قوا و بالا بردن ظرفیت اعمال قدرت است. تهدید به اعتصاب از سوی کارگران نفت، گاز، پتروشیمی، آب و برق و حمل و نقل و مراکز دیگر و اعلام آمادگی جدی این کارگران برای عملی کردن تهدیدات خود، بدون شک دولت سرمایه داری را مجبور به تمکین خواهد کرد.

کارگران نیشکر هفت تپه باید با تمامی امکانات موجود برای جلب این نوع حمایت ها در میان همه همزنجیران طبقاتی خویش در سراسر ایران دست به کار شوند. آنان همزمان و از درون همین اعتصاب ۵۰۰۰ نفری جاری می توانند با سازمانیابی خود در یک شورای کارگری ضدسرمایه داری طرح تصرف کارخانه و برنامه ریزی کار و تولید را در دستور روز مبارزات خود بگذارند. یک نکته بسیار مهم دیگر این است که پیشبرد این امور صرفاً وظیفه کارگر در حال اعتصاب نیشکر هفت تپه نیست. این کاری است که همه کارگران دیگر و همه فعالان کارگری در هر کجا که هستند باید دنبال کنند.

۸۷/۲/۲۱

سرکوب یعنی توسل به خونریزی و کشتار دچار تردید شوند. کارگران قبلاً اعلام کرده اند که در صورت خودداری کارفرمایان و دولت سرمایه داری از قبول مطالبات بالا، در روزهای آتی به راهکارهای تازه ای برای ادامه مبارزات خویش متوسل خواهند شد. آنان بسیار خوب می دانند که صرف اعتصاب به ویژه در این کارخانه معین برای مجبور ساختن صاحبان سرمایه به قبول خواسته های روز آن ها کفایت نمی دهد. در شرایطی که کارفرمایان و دولت سرمایه داری ترجیح می دهند که با پیش گرفتن سیاست صبر و انتظار توده های کارگر را به ورطه نومیدی و دلسردی از حصول نتیجه بکشانند، کارگران نیز راه تداوم اعتصاب و مبارزه خود را در اتخاذ تاکتیک ها و راهکارهای مؤثرتر و کارا تر جستجو می کنند.

در باره این که شیوه های بعدی اعمال قدرت و فشار کارگران بر صاحبان سرمایه و دولت آن ها چه خواهد بود تا لحظه حاضر جز اجتماع در مقابل مراکز دولتی شهر شوش هیچ طرح مشخصی از سوی فعالان کارگری نیشکر هفت تپه اعلام نشده است. اما یک چیز بسیار روش است. گسترش مبارزات، استمداد جدی از کلیه کارگران در تمامی مراکز کار و تولید در استان خوزستان و در سراسر جامعه ایران یک شرط لازم و

کارگران نیشکر مصمم و استوار به مبارزات خویش ادامه می دهند. اعتصاب اینک به تمامی بخش های کارخانه گسترش یافته و همه شیفت های کار به طور کامل تعطیل گردیده است. دور اخیر مبارزه کارگران امروز ششمین روز خود را پشت سر نهاد و از روز چهارم به بعد ۲۰۰۰ کارگر دیگر به صفوف همزنجیران خویش ملحق شده اند. شمار کارگرانی که هم اکنون در اعتصاب هستند به ۵۰۰۰ نفر بالغ می شود. کارگران بر تحقق مطالبات خود پای می فشارند و خواستار پرداخت فوری دستمزدهای پرداخت نشده، توقف احضار فعالین کارگری، خروج نیروی سرکوب از محیط کارخانه، عزل کلیه اعضای هیئت مدیره، اخراج و طرد رئیس حراست کارخانه و بالاخره پایان دادن به تعقیب، دستگیری و آزار کارگران مبارز هستند.

یعقوب شفیعی رئیس هیئت مدیره و زبیداری رئیس اداره حراست کارخانه زیر فشار خشم و نفرت کارگران محل کار خود را ترک گفته اند. نیروهای نظامی و پلیس دولت سرمایه همچنان صفوف کارگران اعتصاب کننده را در محاصره خویش دارند، اما اراده مصمم و عزم راسخ توده های کارگر برای تحمل مطالبات خود بر صاحبان سرمایه سبب شده است که آنان در کارایی شیوه های متعارف خویش برای

اعتراض کارگران نانو به کمی دستمزد و توطئه صاحبان سرمایه

اندازه کارگران واحدهای بزرگ صنعتی یا مراکز گسترده کار و تولید نیز قادر به اعمال قدرت جمعی علیه کارفرمایان و دولت آن ها نیستند. آنچه اینک و به دنبال سال ها مبارزه و اعتراض کارگران نانو به عنوان « راه حل » از سوی دستگاه های دولتی و صاحبان نانوای ها اعلام شده این است که هر

بلیه مهلک برای کل طبقه کارگر و مبارزات توده های کارگر است. این معضل در مورد بخش هایی از کارگران و به طور مشخص کارگران نانو از حدت و شدت بیشتری برخوردار است. در این بخش شمار کارگرانی که کنار هم کار می کنند به طور معمول بسیار کم است و درست به همین دلیل حتی به

دستمزد کارگران نانو بیش از حد پایین است. آنان سال هاست که علیه تشدید وخامت معیشت و سطح بسیار نازل دستمزدهایشان اعتراض دارند. این اعتراض ها تا لحظه حاضر به طور کامل بی پاسخ مانده است. در جامعه ما پراکندگی کارگران و فقدان تشکل سراسری ضدسرمایه داری آنان یک

است. دستمزد کارگران نانوا باید حتماً افزایش یابد اما حتی یک ریال هم نباید به بهای نان افزوده شود. این حرفی است که باید بر زبان همه آحاد طبقه کارگر ایران در تمامی مناطق کشور جاری شود.
۸۷/۲/۲۱

کالا متضمن افزایشی هولناک در هزینه های معیشتی یا در واقع هزینه بازتولید نیروی کار است. سرمایه داران و دولت آن ها با توسل به این سیاست ستمگرانه عملاً سطح مزدهای واقعی کل طبقه کارگر را کاهش می دهند و سپس این کار را راه افزایش دستمزد کارگران نانوا نام می نهند!! این امر زنگ خطری جدی برای همه توده های کارگر

ریال افزایش دستمزد کارگران را به بالا بردن قیمت نان پیوند زنند! معنای این کار به صورت بسیار ساده سازمان دادن یک تعرض بربرمنشانه علیه حداقل معیشتی کل طبقه کارگر ایران و از جمله همین کارگران نانوا است. برای توده های کارگری که زیر فشار فقر و گرسنگی، نان به اصلی ترین غذایش تبدیل شده هر ریال افزایش بهای این

بیکارسازی و تعویق دستمزدها در «قند نیشابور»

کنند و خنثی سازی توطئه اخراج کل کارگران را به صورت جدی دنبال می نمایند.
۸۷/۲/۲۱

شمشیر شرارت سرمایه نه از یک سو که از همه سو برای بریدن شریان حیات کارگران تیز شده است. ۲۲۰ کارگر قند نیشابور به این وضع اعتراض دارند. آنان خواستار پرداخت فوری دستمزدهای معوقه خود هستند. اخراج ۳۰ کارگر همزنجیرشان را محکوم می

سرمایه دار صاحب کارخانه قند نیشابور دستور اخراج ۳۰ کارگر را صادر کرده و همزمان امکان اخراج و بیکار شدن کل ۲۲۰ کارگر کارخانه را نیز به همگان اعلام کرده است. کارگران از آغاز سال جاری تا حال ریالی دستمزد دریافت نکرده اند و به این ترتیب

۷ ماه کار بدون مزد در کارخانه مخمل کاشان

تا به تب رضایت داده شود». سرمایه داران نیز مدت مدیدی است که همین سیاست را در مورد کارگران به اجرا نهاده اند. امروز ۷ ماه تمام است که ۷۰۰ کارگر مخمل و ابریشم کاشان حتی یک ریال دستمزد دریافت نکرده اند. معنای این سخن بسیار صریح این است که : کارگران، یا به کار بدون مزد رضایت دهید و یا راه خود بگیرید و بگذارید تا ما سرمایه هایمان را یا به بیان واقعی سرمایه های بسیار عظیمی را که شما تولید کرده و ما تصاحب کرده ایم در حوزه های بسیار پرسودتر سرمایه گذاری کنیم!
۸۷/۲/۲۱

به همین دلیل و بر پایه همین محاسبات در طول این چند سال تلاش کرده اند تا سرمایه های کلان حاصل از استثمار نسل بعد از نسل چندین هزار کارگر را به جای پیش ریز در عرصه نوسازی نساجی ها به بخش های دیگر منتقل سازند و در این راستا خیل کثیر کارگران استثمار شده سالیان دراز را رهسپار برهوت بیکاری و گرسنگی کنند. آنان تا لحظه حاضر ۲۳۰۰ کارگر قدیمی را به این سرنوشت دچار کرده اند. شمار کارگران کارگاه ها اکنون از ۷۰۰ تجاوز نمی کند و این ۷۰۰ نفر نیز همواره در معرض خطر اخراج و بیکارسازی هستند. ضرب المثل معروفی است که « به مرگ می ترسانند

« مخمل و ابریشم کاشان» در سال های پیش حدود ۳۰۰۰ کارگر را استثمار می کرده است. سرمایه داران صاحب کارخانه با مقایسه میان اقلام سود حاصل در حوزه نساجی و بسیاری عرصه های پرسودتر دیگر مدت هاست که رغبت خویش برای ادامه کار در این رشته را از دست داده اند. آنان بر پایه محاسبات بسیار ساده ریاضی به این نتیجه رسیده اند که جایگزینی تکنولوژی های یک قرن عقب مانده صنعت نساجی در ایران با تکنولوژی ها و ماشین آلات مدرن روز مستلزم سرمایه گذاری هایی است که اگر در حوزه دیگر صورت گیرد سودهای بسیار کلان تری نصیب آن ها می کند. صاحبان مخمل و ابریشم

بیکاری و تعویق حقوق در «پادزانیچ» قزوین

۴۰ نفر آنان اینک از کار بیکار شده اند. کارگران به اخراج خویش سخت اعتراض دارند و همزمان خواستار پرداخت فوری کلیه حقوق معوقه خویش هستند.
۸۷/۲/۲۱

سال پیش خود را نیز نگرفته اند. شرکت « پادزانیچ» تولید کننده لوازم خودرو است و از بازار فروش بسیار وسیع و پرسودی برخوردار است. تولید کارخانه و شدت استثمار کارگران بسیار بالا است. با همه این ها کارگران حتی دستمزدشان را هم دریافت نمی کنند و

در این کارخانه ۲۰۰ کارگر استثمار می شوند. ۴۰ نفر از این کارگران حکم اخراج دریافت کرده اند و این ۴۰ نفر همراه ۲۰۰ کارگر رسمی دیگر شرکت از ماه بهمن سال گذشته تا کنون بدون گرفتن دستمزد برای صاحبان سرمایه کار می کنند. آنان حتی عیدی و پاداش

ادامه اعتصاب کارگران پرستار در سوئد

بخش صرفاً کرونی است که به سرمایه و سود سرمایه داران اضافه می‌گردد. مخارج تشکیل سرمایه ثابت آن‌ها را کاهش می‌دهد، هزینه‌های نظم‌تولیدی و سیاسی آن‌ها را پاسخ می‌دهد و در یک کلام به سرمایه اضافه می‌گردد. اصرار تا پای جان کارفرمایان برای فرار از قبول افزایش دستمزد کارگران پرستار فقط همین هدف را دنبال می‌کند و دقیقاً به خاطر دست‌یابی به همین هدف پلید ضدانسانی است که آنان جان میلیون‌ها انسان نیازمند دارو و درمان را در معرض قمار شوم سوداندوزی‌های خود قرار داده‌اند. این‌ها همه قانون ذاتی سرمایه است و جای هیچ تعجیبی ندارد. یک نکته مهم دیگر در همین جا نقش سرمایه و بی‌نقشی نوع سرمایه داران است. در جریان این اعتصاب کل طبقه بورژوازی سوئد با همه احزاب سیاسی نماینده اش از احزاب ماوراء راست و انسان ستیز «دموکرات‌های سوئد»، «دموکرات مسیحی»، «محافظة کار»، «مردم» و «میانه» گرفته تا طیف «محیط زیست»، «سوسیال دموکرات» و «چپ» همه و همه در صف کارفرمایان قرار دارند. برخی از این احزاب و به طور مشخص چند حزب کوچک «چپ» با جار و جنجال تمام خود را مدافع مطالبات کارگران پرستار معرفی می‌کنند. اینان هر روز در این شهر و آن شهر در تظاهرات پرستاران شرکت می‌نمایند! در حمایت از اعتصاب آنان نطق‌های آتشین ایراد می‌کنند! علیه احزاب رقیب سخن می‌گویند و فراوان کارهای دیگر از این دست انجام می‌دهند. همین احزاب چند گام آن سو تر از محل این کارها، به عنوان نمایندگان شورای استان‌ها در کنار سایر احزاب راست و چپ سرمایه لباس کارفرمای کارگران درحال اعتصاب را بر تن دارند. هیچ کس منکر این نیست که پاره‌ای از این احزاب به دلیل موقعیت اپوزیسیونی و ضعیف خود شاید به طور واقعی خواستار افزایش دستمزد کارگران هم باشند. اما آنان مستقل از چند و چون موقعیت حزبی و مستقل از اپوزیسیون بودن یا مسلط بودن در ساختار قدرت سیاسی، به هر حال بخشی از کارفرمایان را تشکیل می‌دهند. نقش دولت بورژوازی تحمیل نظم‌تولیدی،

خواست‌های مبرم و پایه‌ای این کارگران هیچ‌وقتی نمی‌گذرانند بلکه به سادگی آب خوردن، دفاع از هر یک کرون سود سرمایه‌ها را به جان کل شهروندان نیازمند بخش درمان ترجیح می‌دهند. ۶۰۰۰ عمل جراحی اضطراری انسان‌ها را به خاطر سودهای فزون‌تر سرمایه‌ها متوقف می‌سازند، چندین هزار عیادت الزامی پزشکان از بیماران را از وحشت کاهش یک کرون سود تعطیل می‌کنند. هفته‌های متوالی توده وسیع شهروندان را از امکان مراقبت‌های فوری و حیاتی محروم می‌سازند تا نکند که به کوه عظیم سودهایشان خدشه‌ای وارد گردد. صاحبان سرمایه و دولت‌مردان نظام سرمایه‌داری در همان حال که از تحقق مطالبات پایه‌ای و حیاتی کارگران پرستار سر باز می‌زنند به تمامی اعمال ستمگرانه‌ای که گفتیم نیز دست می‌زنند. شاید عده‌ای عوام‌فریبانه ادعا کنند و چه بسا عده‌ای نیز ساده‌لوحانه باور نمایند که گویا بخش درمان در جامعه‌ای مانند سوئد قلمرو سوداندوزی سرمایه‌ها نیست! بیمارستان‌ها و کل سیستم درمان و پزشکی سوئد بخش جدایی‌ناپذیری از ساختار نظم اقتصادی، سیاسی و اجتماعی سرمایه‌داری است. تا زمانی که سایه نظام بردگی مزدی بر سر انسان‌ها سنگین است تأمین بهداشت و دکتر و دارو و درمان و در یک کلام تضمین کامل سلامتی انسان‌ها وظیفه محتوم و بدیهی سرمایه است. دولت سرمایه‌داری مجبور است که اقلامی از کوه عظیم اضافه‌ارزش‌های تولید شده توسط کارگران را به این کار اختصاص دهد. اما هزینه سیستم درمان در سوئد حتی از اضافه‌ارزش‌های تولید شده به وسیله کارگران هم پرداخت نمی‌شود. دولت‌های چپ یا راست سرمایه‌داری بیش از ۳۰٪ کار پرداخت شده کارگران را زیر نام مالیات از آن‌ها پس می‌گیرند تا مقدار ناچیزی از آن‌ها پس از کسر همه مخارج نظامی و انتظامی، دستگاه‌های عظیم بوروکراسی و چاه ویل‌های بی‌انتهای حفاری شده توسط سرمایه‌داری به بخش درمان اختصاص دهند. بالاخره به بخش درمان اختصاص دهند. هر کرون صرفه‌جویی در مصرف این مالیات‌ها و هر کرون کاهش هزینه این

از شروع اعتصاب پرستاران و کارگران دیگر بخش درمان سوئد بیش از چند هفته می‌گذرد. کارگران همچنان بر تحقق مطالبات خود پای می‌فشارند و کارفرمایان با سرسختی تمام از قبول خواسته‌های آنان امتناع می‌ورزند. بخش درمان سوئد توسط یک نهاد دولتی با نام «شورای استان‌ها» اداره می‌شود و احزاب سیاسی راست و چپ عضو این شورا، نقش سرمایه‌داران صاحب این بخش را ایفا می‌کنند. اعتصاب با شرکت حدود ۲۰۰۰ کارگر پرستار و تکنیسین آزمایشگاه‌ها شروع شد. در هفته دوم، شمار کثیر دیگری از کارگران دست از کار کشیدند و به هم‌زنجیران خود ملحق شدند. تعداد پرستاران اعتصاب‌کننده در هفته سوم باز هم افزایش یافت و بر اساس آخرین اخبار این تعداد در ۲۹ ماه مه از ۴۱۰۰ نفر متجاوز خواهد گردید. حدود ۱۰٪ کل جمعیت کارگران بخش درمان در اعتصاب به سر می‌برند. سیستم درمان جامعه به صورت بسیار تعیین‌کننده‌ای دچار اختلال شده است. نزدیک به ۶۰۰۰ عمل جراحی لازم برای مدتی نامعلوم به تعویق افتاده و شمار ملاقات‌های الزامی پزشکی که در این مدت العا گردیده از مرز چندین هزار فراتر رفته است. بخش‌های مراقبت فوری و پذیرش مصدومین سوانح در بسیاری از بیمارستان‌ها تعطیل شده‌اند و کار کارگران آن‌ها به افراد شاغل بخش‌های دیگر محول گردیده است. با آغاز موج چهارم اعتصاب در چند روز دیگر تمامی بیمارستان‌های مهم وابسته به مراکز بزرگ دانشگاهی مانند بیمارستان شهر اسپسالا، استکهلم، لوند، اوربرو، یوتالند و برخی جاهای دیگر باز هم گسترده‌تر در محاق تعطیل فرو خواهند رفت. یک نکته قابل‌تعمق در این اعتصاب مقاومت بسیار سفاکانه همه کارفرمایان دولتی در مقابل مبارزات مصمم و متحد کارگران است. بخش درمان مهم‌ترین و حیاتی‌ترین شریان زندگی انسان‌ها در هر جامعه است. کارگران این بخش حساس‌ترین، پیچیده‌ترین، انسانی‌ترین و در همان حال دشوارترین و پرمسئولیت‌ترین نقش‌ها را به دوش می‌کشند. صاحبان سرمایه نه فقط به

نظم تولیدی و سیاسی و اجتماعی سرمایه را بر زندگی کارگران قفل می زند نیز جزئی از طبقه سرمایه دار است. این جزء می تواند حزب چپ سوئد، حزب سوسیال دموکرات، فلان حزب راسیست یا محافظه کار یا این و آن سرمایه دار خصوصی باشد.

مه ۲۰۰۸

نیروی کاراست، بحث بر سر رابطه تولید اضافه ارزش است. سخن از سرمایه به مثابه یک رابطه اجتماعی است. کارگران پرستار سوئد به سان همه کارگران دنیا توسط سرمایه استثمار می شوند. صاحب سرمایه هر کس می خواهد باشد. برای کارگر فرقی نمی کند. آن که ملزومات ارزش افزایی سرمایه را بر کارگران تحمیل می کند، و آن که

سیاسی، مدنی و اجتماعی بشرستیز سرمایه بر کارگران است. این احزاب نیز با همه کوچکی و بی جودیشان بخش بسیار ناپیدایی از ساختار همین قدرت دولتی هستند. سخن از راست یا چپ بودن، صاحب خصوصی یا دولتی سرمایه بودن و تعلق به مدافعان سوسیالیسم یا کاپیتالیسم داشتن نیست. بحث بر سر رابطه خرید و فروش

خبرنامه کمیته هماهنگی را به دست کارگران هر چه بیشتری

برسانید.

سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری (منطقه تهران) به طور روزمره به روز شده و اخبار جدید کارگری در آن منتشر می‌گردد.

آدرس سایت را به اطلاع همه برسانید:

WWW.HAMAAHANGI.COM

برای تماس با ما نامه الکترونیکی خود را به آدرس زیر بفرستید:

hamaahangi@gmail.com

برای اشتراک این خبرنامه به سایت کمیته مراجعه کرده و آدرس الکترونیکی خود را در قسمت "خبرنامه سایت" وارد کنید. در صورتی که مایل به ادامه اشتراک نیستید، می‌توانید در همین قسمت خواهان حذف نام خود از فهرست مشترکین شوید.